اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران

اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه 5 تهران

دبستان غیر دولتی دخترانه پرسش

کلید سؤالات ارزشیابی عملکردی نوبت دوم سال تحصيلي 1402-1401

نام درس: .فارسی چهارم

نام دبیر:سرکار خانم سرامی

تاریخ امتحان: 23 / 02/1402



|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | راهنمای تصحیح محل مهر یا امضاء مدیر | |
| **1** | روبهک: روباه کوچک  اراده: همت  گمان: خیال  صیاد: شکارچی  وحوش: جانوران وحشی  محتاج: نیازمند | |
| **2** | لطیف: لطف، الطاف  سفر: مسافرت، مسافر  منتظر: انتظار، انتظارات  فکر: تفکر، متفکر | |
| **3** | درختی در نظر بگرفت و بنشست  نظر کرد آن نگون اقبال بر زیر | |
| **4** | خیلی نگران بود و می ترسید بلایی بر سر فرزندش بیاید. | |
| **5** | چون آنها هر سال بدون هیچ کمکی کیلومترها پرواز می کنند و لانه خود را باز می یابند که این فقط به خاطر غریزه ای است که خداوند در وجود آنها قرار داده است. | |
| **6** | گزینه ب | |
| **7** | الف: تو فکر نکن که رودها خود به خود بالا می آیند و از بستر خود خارج می شوند، بلکه به فرمان ما(خداوند) است هر اتفاقی که برای آنها می افتد.  ب: موش بیچاره ترسید و از شدت ترس به گریه افتاد و شروع به خواهش والتماس کرد. | |
| **8** | دو نوع انسان سختی بیهوده ای را تحمل کردند و کوشش بدون فایده ای کردند: یکی آن گروه که مال جمع کرد ولی از آن استفاده ای نکرد و دیگر گروهی که علم کسب کرد ولی به آن عمل نکرد. | |
| **9** | متن املا:  ابوریحان با ناراحتی پاسخ داد: "کدامیک از این دو بهتر است: اینکه مسئله را بدانم و بمیرم یا نادانسته و جاهل درگذرم؟"  یکی را گفتند: "عالم بی عمل، به چه ماند؟" گفت : " به زنبور بی عسل."  او وقتی تجارتش را در هندوستان تمام کرد به سوی سرزمین خود به راه افتاد و به خانه خویش بازگشت.  اکنون در مسجد جامع شهر، که روزهای زیادی مرکز مقاومت جوانان بود، رزمندگان نماز شکر می خواندند.  بچه ها برایش دست زدند. شنیدن صدای دستهای بچه ها و دیدن لبخند مهربان معلم او را دلگرم و شاد کرد.  نبرد، طولانی و خسته کننده شده بود و همه نگران بودند. | |
|  | | **نام و نام خانوادگی مصحح : امضاء:** |